فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ - صفحات ۲۲۰-۲۱۱

چالش‌های بانکداری مبادله‌ای و ارائه‌ی الگوی نهادی مکمل به کارگیری عقود مبادله‌ای در نظام مالی

محمد امین صلواتیان[۱]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش:۱۳۹۷/۰۶/۲۰

چکیده

بانکداری مبادله‌ای یکی از انواع بانکداری اسلامی است که توسط نظریه‌پردازان بانکداری اسلامی طراحی و مطرح شده است. بانکداری مبادله‌ای علاوه بر این‌که توان اجرای کارکردهای بانکداری متعارف را دارد می‌تواند اقتضائات شرعی را هم لحاظ کند. با این وجود بانکداری مبادله‌ای در حوزه‌ی عمل دارای چالش‌هایی است که سبب می‌شود نتواند به درستی به اجرای عملیات متعارف بانکداری اقدام کند. علاوه بر آن، چالش‌های مزبور ظرفیت تحقق اقتضائات شرعی بانکداری مبادله‌ای را هم با مشکل مواجه کرده است. پژوهش حاضر در پی بررسی چالش‌های بانکداری مبادله‌ای است و سعی دارد تا سازوکاری نوین طراحی کند تا بتواند علاوه بر اجرای کارکردهای بانکداری به رفع چالش‌های آن بپردازد. پژوهش حاضر به روش اکتشافی در پی معرفی الگویی است که می‌توان با بهره‌گیری از نهادهای مکمل بانکداری مبادله‌ای، به کارکردهای اصلی بانکداری مبادله‌ای دست یافت و از چالش‌های آن مصون ماند. برای این منظور دو نهاد مالی صندوق‌های با درآمد ثابت برای تامین مالی کلان و شرکت‌های لیزینگ برای تامین مالی‌های خرد؛ به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه پژوهش که به روشی تحلیلی- توصیفی صورت پذیرفته است؛ آن است که نهادهای مزبور دارای کارکردهای مشابهی با بانکداری متعارف و بانکداری مبادله‌ای است با این تفاوت که از کاستی‌های آن دو، به دور است. توسعه‌ی نهادهای مالی مانند دو نهاد مزبور، می‌تواند به افزایش کارآیی در مولفه‌های مالی و اقتصادی منجر شود و به افزایش رقابت میان نهادهای بازار پول و سرمایه برای تطبیق بیشتر با اقتضائات شرعی کمک کند.

کلمات‌کلیدی: بانکداری مبادله‌ای، کارکردهای بانکداری مبادله‌ای، صندوق‌های با درآمد ثابت، شرکت‌های لیزینگ، چالش‌های بانکداری اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: G21, G29, E6

۱. دانشجوی دکترای رشته مدیریت مالی دانشگاه امام صادق (ع) masalavatian@isu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

مقدمه

بانکداری متعارف به منظور اجرای کارکردهای مختلفی در نظام مالی و اقتصادی طراحی شده است. تبادل سرمایه میان افرادی که مازاد سرمایه دارند و افرادی که متقاضی سرمایه دارند (کارکرد واسطه‌گری)، افزایش تقارن اطلاعاتی میان آن دو(میشکین[1]، ۲۰۰۴، ص۳۴) کاهش هزینه‌های انتقال سرمایه(بال[2]، ۲۰۱۲، ص۲۱۵)، اطمینان بخشی به سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز (طالبی و کیایی، ۱۳۹۱، ص ۵۲) و کارکرد خلق پول (اعتبار)؛ کارکردهای اصلی بانکداری متعارف است. بانکداری مبادله‌ای با بهره‌گیری از عقد وکالت، به تجهیز منابع مالی می‌پردازد و با بهره‌گیری از عقود مبادله‌ای، مانند عقد مرابحه به تخصیص منابع مالی اقدام می‌کند. بانکداری مبادله‌ای به دلیل آن‌که توانسته است کارکردهای بانکداری متعارف را به اجرا برساند و اقتضائات شرعی را رعایت کند؛ مورد توجه نظریه‌پردازان بانکداری اسلامی قرار گرفته است. با این وجود بانکداری مبادله‌ای با چالش‌هایی مواجه است. چالش‌هایی که می‌تواند کارکردهای مالی و اقتصادی بانکداری مبادله‌ای را با اخلال مواجه کند و ظرفیت تحقق اقتضائات شرعی آن را کاهش دهد. وجود روابط پیچیده‌ی حقوقی در عملیات بانکداری مبادله‌ای، ریسک عدم رعایت شرایط عقد وکالت و برهم خوردن روابط حقوقی و مالی میان ذی نفعان آن، عدم توان بانک در تشکیل پرتفوی بهینه تسهیلات به دلیل وجود عقد وکالت، عدم ارتباط صحیح میان نرخ‌گذاری سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات، از جمله اساسی‌ترین چالش‌هایی است که بانکداری مبادله‌ای را تهدید می‌کند. پژوهش حاضر؛ پس از بررسی کارکردهای بانکداری متعارف و مبادله‌ای؛ به چالش‌های بانکداری مبادله‌ای اشاره می‌کند. پس از آن به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان چالش‌های مزبور را با سازوکاری که راه‌حلی دائمی برای آن باشد. تحقیق اکتشافی حاضر در پی آن است که با استفاده از نهادهای مالی که دارای کارکردهای مشابه بانکداری مبادله‌ای هستند، به این مهم نائل آید. برای این منظور دو نمونه از نهادهای تامین مالی‌کننده که دارای شباهت بیشتری با بانکداری مبادله‌ای هستند؛ مورد بررسی و مداقه قرار گرفت. صندوق‌های با درآمد ثابت که در صکوک با درآمد ثابت؛ سرمایه‌گذاری می‌کنند و شرکت‌های لیزینگ که به خرید کالاها و اجاره آن به قیمت بالاتر اقدام می‌کنند(اجاره به شرط تملیک)، دو نهادی مالی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت. نهادهای مزبور خوانش کارکردی زیادی با بانکداری مبادله‌ای هستند. نتیجه‌ی پژوهش آن است که می‌توان با توسعه‌ی نهادهای مزبور در نظام مالی و اقتصادی؛ اولاً به کارکردهای اصلی بانکداری متعارف و بانکداری مبادله‌ای دست یافت و در واقع اقتضائات مالی و اقتصادی جامعه را درنظر گرفت

1. Mishkin
2. Ball

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

و ثانیاً اقتضائات شرعی رعایت گردد و از چالش‌های موجود در بانکداری مبادله‌ای دوری جست. ارتباط با بخش واقعی اقتصاد و تامین منابع مالی و کالایی متقاضیان سرمایه، سود ثابت و قطعی، عدم وجود روابط پیچیده حقوقی و به کارگیری تخصصی عقود شرعیه در نهادی مزبور از جمله محاسن توسعه‌ی بیشتر صندوق‌های با درآمد ثابت و شرکت‌های لیزینگ است. این مهم به معنای حذف بانکداری مبتنی برعقود مبادله‌ای نیست، بلکه به معنای افزایش رقابت میان نهادهای مالی بازار پول و سرمایه برای کارآیی بیشتر در کارکردهای متعارف و رعایت اقتضائات شرعی می‌باشد.

۱.پیشینه تحقیق

مهدوی نجم‌آبادی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان "ساختار بهینه نرخ‌های سود در اقتصاد اسلامی با تاکید بر این ساختار در بانکداری اسلامی"، بیان داشته است که سود ثابت پرداختی به سپرده‌گذاران طبق عقود مبادله‌ای سبب می‌شود که نرخ سودهای بانکی مبتنی بر نیروهای عرضه و تقاضای بازار تعیین شود که به کارآیی اقتصاد جامعه کمک می‌کند. اما نرخ‌های سود تسهیلاتی به شکل دستوری، قانونی و اداری سبب می‌شود که منابع مالی در جهتی مخالف کارآیی اقتصادی به مصرف برسد. ایشان بهره‌گیری از بازارهای کارآیی که تحت شرایط رقابت کامل یا آزادی عمل انجام می‌گیرد و قیمت‌ها به طور واقعی تعیین می‌شود را راه حلی برای این مهم می‌دانند. تاکید وی برمنطقی کردن قیمت‌هاست که در آن رویه‌های اداری و دستورالعملی حضور ندارد.

میسمی و قلیچ (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان "نظارت شرعی و ریسک شریعت در بانکداری اسلامی: دلالت‌هایی برای طرح تحول نظام بانکی" اشاره می‌کنند که به دلیل طبیعت بانک‌های اسلامی، این نوع بانکداری نیازمند نظارت خاصی هستند که نبایستی نسبت بدان غفلت ورزید. پژوهش مزبور در نهایت به ارائه‌ی الگویی چند مرحله‌ای به منظور اصلاح وضع نظارت شرعی بر موسسات مالی اقدام می‌کند و بانک مرکزی را به عنوان محوری اساسی در این رابطه می‌داند. در واقع به نظر ایشان نظارت می‌تواند برخی از کاستی‌های بانکداری اسلامی—از جمله بانکداری مبادله‌ای را جبران کند. همچنین نویسندگان مزبور در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان " آسیب‌شناسی اجرای بانکداری اسلامی در کشور: دلالت‌هایی برای تحول در نظام بانکی " که در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است، به آسیب‌های استفاده از عقود اسلامی در بانکداری اسلامی پرداخته‌اند. ایشان در قسمتی از پژوهش خود بیان می‌دارند که بانک‌های فعال در کشور در عملیات بانکداری خود از ظرفیت‌هایی از فقه سلامی(مانند عقد صلح) به نفع خود بهره می‌برند و سبب می‌شود که عقود از ماهیت اصلی خود فاصله بگیرند. ایشان تدوین ضوابط و شروط ضمن عقود به نحوی که از ماهیت خود خارج نشوند و نظارت فعال بانک مرکزی بر فعالیت‌های بانک‌ها را پیشنهاد می‌دهند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

دادگر و فیروزان سرنقی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "ارائه چارچوبی برای تعیین نرخ سود در عقود مبادله‌ای" که با روشی آماری و سنجی انجام گرفته است؛ به چالش عدم واقعی بودن نرخ سود در عقود بانکداری اسلامی و مبادله‌ای اشاره می‌کنند که می‌تواند هزینه‌های قابل توجهی را به اقتصاد کشور و بخش صنعت وارد می‌کند. ایشان رویکرد هزینه سایه‌ای را در تعیین نرخ سود معرفی می‌کنند.

موسویان و میثمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی ساختار عملیاتی مطلوب بانکداری اسلامی(دلالت‌هایی در راستای اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا) " که به روشی تحلیلی- توصیفی انجام گرفته است؛ تجربه‌ی بیش از سه دهه بانکداری اسلامی- شامل بانکداری مبادله ای- را موفق ندانسته‌اند و راه کار اجرای بهتر بانکداری اسلامی را در تفکیک بین انواع بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی – مانند شرکت‌های لیزینگ مبتنی برعقود اسلامی می‌دانند. پژوهش حاضر پس از بیان چالش‌های بانکداری مبادله‌ای از نگاه محققان؛ چالش‌هایی دیگر از بانکداری مبادله‌ای را بیان می‌دارد و سپس با نگاهی متفاوت؛ سعی در اصلاح چالش‌های بانکداری مبادله‌ای دارد. تجربه نشان می‌دهد که اصلاح چالش‌های بانکداری مبادله‌ای با وضع قوانین و مقررات و نظارت‌ها برطرف نمی‌شود و رفع این مهم؛ مستلزم اصلاحات ساختاری است که توسعه‌ی نهادهایی با کارکرد مشابه بانکداری مبادله‌ای می‌تواند ما را به مقصود برساند. توسعه‌ی نهادهای مالی در نظام مالی و اقتصادی به افزایش رقابت در تجهیز و تخصیص منابع مالی کمک می‌کند و سبب ارتقای رعایت اقتضائات شرعی در نظام مالی می‌شود.

۲.بانکداری مبادله ای

یکی از انواع بانکداری اسلامی، بانکداری مبادله‌ای است. عملیات بانکداری مبادله‌ای مبتنی برعقود مبادله‌ای انجام می‌گیرد. در عقود مبادله‌ای، بانک تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز فعالیت اقتصادی را تامین می‌کند؛ با این تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و پیش از انجام فعالیت اقتصادی، سود بانک معلوم، معین و قطعی است و تحول‌های آتی و تغییرهای احتمالی در وضعیت مالی فعالیت پیش گفته (از جهت سود و زیان) ارتباطی به سود و مطالبه‌های بانک در آن قرارداد ندارد. (موسویان، هستیانی و حسنی مقدم، ۱۳۹۳، صص ۸۸ و ۸۹) به بیانی دیگر؛ در این شیوه، بانک‌ها با استفاده از منابع سپرده‌های سرمایه‌گذاری و منابع دیگر بانک؛ با متقاضیان تسهیلات وارد قراردادهای مبادله‌ای مانند مرابحه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین و جعاله می‌شوند. این قراردادها ماهیت تملیکی داشته و براساس نرخ‌های سود معین به متقاضیان، تسهیلات بانکی داده می‌شود. در این شیوه، بانک در جایگاه موسسه انتفاعی با سود معین، با

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

متقاضی تسهیلات وارد معامله می‌شود و حاصل آن، بدهی مدت‌دار مشتری است که طبق زمان‌بندی مشخصی باید پرداخت شود. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴، ص۵۰) بانکداری مبادله‌ای دارای کارکردهای مختلفی در نظام مالی و اقتصادی است که در ادامه بدان اشاره می شود. قبل از آن‌که به کارکردهای بانکداری مبادله ای اشاره شود؛ لازم است تا به کارکردهای بانکداری متعارف پرداخته شود تا امکان مقایسه‌ی میان آن دو وجود داشته باشد.

۱-۲ کارکردهای بانکداری متعارف

بانکداری متعارف دارای کارکردهای مختلفی در نظام مالی و اقتصادی می‌باشد. در حالت کلی می‌توان چهار کارکرد را برای بانکداری متعارف درنظر گرفت.

۱. انتقال سرمایه میان سرمایه‌داران مازاد وجوه و متقاضیان وجوه یکی از مهم‌ترین کارکردهایی است که بانک‌ها بدان اهتمام می‌ورزند. در واقع بانک با دو مشخصه تعریف می‌شود:

الف. بانک وجوه خود را از طریق قبول کردن سپرده، افزایش می‌دهد.

ب. بانک وجوه جمع‌آوری شده را به بنگاه‌ها و افراد وام می‌دهد.(بال، ۲۰۱۲، صص ۱۰ و ۱۱)

۲. زمانی که سرمایه‌داران بخواهند وجوه خود را به نیازمندان سرمایه منتقل کنند، (کارکرد اول) ممکن است به دلیل عدم توازن و تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌داران و سرمایه‌پذیران، سرمایه‌داران وجوه خود را در اختیار متقاضیان سرمایه قرار ندهند. چراکه آن‌ها نسبت به حوزه مصرف وجوه و چگونگی مصرف سرمایه، جاهل خواهند بود و وام‌گیرندگان می‌توانند وجوه آن‌ها را در مواردی غیر از موضوع قرض به مصرف برسانند. وجود نهادی واسطه‌گر مانند بانک‌ها می‌تواند، مشکل مزبور را حل کند. بانک‌ها از طریق جمع‌آوری اطلاعات، گرفتن وثیقه و درنظر گرفتن سرمایه وام‌گیرنده برای اعطای وام، اخذ بهره متناسب با ریسک وام گیرندگان(بال، ۲۰۱۲، صص۲۱۱ تا ۲۱۳) و پایش[1] و تنظیم قراردادهای وام‌های فردی (نیو،[2] ۲۰۰۲، ص ۱۴۶) به سپرده گذاران اطمینان خاطر می‌دهند که وجوه آن‌ها به شکلی صحیح به مصرف خواهد رسید.

۳. یکی دیگر از کارکردهای مهم بانکداری متعارف، کاهش هزینه‌های مبادله ی سرمایه مانند هزینه مالی و زمانی است. (بال، ۲۰۱۲، ص ۲۱۵) با وجود نهاد واسطه‌گری مانند بانک؛ لازم نیست تا سرمایه‌داران به دنبال متقاضیان تسهیلات باشند و بالعکس.

۴. اطمینان بخشی به سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر یکی دیگر از کارکردهای بانکداری متعارف است. در واقع افراد ریسک‌پذیرتر به سمت شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بیمه‌ها می‌روند و افراد ریسک‌گریز

1. Monitoring
2. Neave

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

نیز وجوه خود را در اختیار بانک ها قرار می‌دهند. (طالبی و کیایی، ۱۳۹۱، ص ۵۲) این کارکرد مهم بانکداری از طریق اعطای سودقطعی به سپرده‌گذاران صورت می‌پذیرد.

۲-۲ کارکردهای بانکداری مبادله‌ای

بانکداری مبادله‌ای دارای کارکردهایی دقیقاً مشابه کارکردهای بانکداری متعارف است. در این نوع از بانکداری انتقال سرمایه میان سرمایه‌داران و نیازمندان سرمایه، افزایش تقارن اطلاعاتی میان سپرده‌گذار و تسهیلات گیرنده، کاهش هزینه مبادله سرمایه و اطمینان بخشی به سرمایه‌داران ریسک‌گریز صورت می‌گیرد. بانکداری مبادله‌ای در نسبت با بانکداری مشارکتی و بانکداری قرض‌الحسنه که اشکال دیگری از بانکداری اسلامی هستند، خوانش کارکردی بیشتری با بانکداری متعارف دارد و این مهم سبب شده است تا بانکداری مبادله‌ای به عنوان یکی از الگوهای مناسب بانکداری اسلامی شناخته شود. چرا که هم اقتضائات شرعی را مدنظر قرار می‌دهد و هم به نیازهای مالی و اقتصادی جامعه نظر دارد. رعایت اقتضائات شرعی در بانکداری مبادله‌ای به این معناست که نرخ سود در آن، مبتنی برعقود شرعیه معینه بین طرفین عرضه و تقاضای سرمایه منتقل می‌شود که میزان آن ثابت و قطعی است. به بیانی دیگر، در بانکداری مبتنی برعقود مبادله‌ای، نرخ سود قطعی و مشخص است (کارکرد بانکداری متعارف) و براساس عقود شرعیه معینه میان طرفین عرضه و تقاضای سرمایه مبادله می‌شود. (رعایت اقتضای شرعی) این مهم سبب شده است تا برخی از پژوهشگران بانکداری اسلامی، با مطالعه آسیب‌های اجرای عقود مشارکتی به لحاظ ماهیتی و کارکردی در نظام بانکی کشور ایران، پیشنهاد استفاده صِرف از عقود مبادله‌ای را مطرح کرده‌اند. این گروه با تفکیک بین قراردادها از یک‌سو و انواع موسسه‌های پولی و مالی از سوی دیگر، اعتقاد دارند که باید قراردادهای خیرخواهانه (مانند قرض‌الحسنه) را به صندوق‌های قرض‌الحسنه و قراردادهای مشارکتی را به شرکت های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های سهامی واگذاشت و بانک را به تناسب ماهیت بازار پول (که بازاری کوتاه مدت با ریسک پایین است)، در قراردادهای مبادله‌ای متمرکز نمود. در واقع، این گروه مدعی هستند که نزدیک‌ترین قراردادهای مشروع به فعالیت‌های بانک‌های متعارف، عقود مبادله‌ای هستند، بنابراین، بهتر است که بانک‌های کشور در تخصیص منابع، صرفاً از این دسته از عقود استفاده کنند.(موسویان و میثمی، ۱۳۹۴، ص۴۲ و ۴۳)

۲-۳ فرآیند عملیاتی بانکداری مبادله‌ای

پس از معرفی کارکردهای بانکداری مبادله‌ای، لازم است تا به بررسی نحوه‌ی عملکرد بانکداری مبادله‌ای پرداخته شود. به منظور بررسی فرآیند بانکداری مبادله ای لازم است تا روش‌های تجهیز و تخصیص آن مورد توجه قرار گیرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

۱-۳-۲ روش های تجهیز منابع مالی بانکداری مبادله ای

به منظور تجهیز منابع مالی بانکداری مبادله‌ای، می‌توان از چهار نوع عقد زیر بهره‌مند شد:

۱. سپرده جاری(قرض بدون بهره): این سپرده به صورت قرض بدون بهره بوده و صاحب حساب حق دارد وجوه خود را هر زمان که بخواهد، برداشت یا به فرد دیگری حواله کند.

۲. سپرده پس‌انداز(وکالت عام): بانک این سپرده‌ها را با استفاده از عقد وکالت عام، دریافت نموده و در اعطای تسهیلات سودآور به کار می‌گیرد. در پایان‌دوره مالی، سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی، پس از کسر حق‌الوکاله، به سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود.

۳. سپرده سرمایه‌گذاری خاص(وکالت خاص): بانک این سپرده‌ها را با استفاده از عقد وکالت خاص گردآوری نموده و در پروژه‌های مشخصی به کار می‌گیرد و در نهایت سود حاصل از آن را پس از کسر حق‌الوکاله به سپرده‌گذاران می‌پردازد.

۴. سپرده سرمایه‌گذاری عام (وکالت عام): بانک براساس عقد وکالت عام منابع را از سپرده‌گذاران جمع‌آوری نموده، سپس، منابع حاصل را در عموم طرح‌های سوده اقتصادی به کار می‌گیرد. سود حاصل از این فعالیت‌ها نیز پس از کسر حق الوکاله، بین سپرده‌گذاران توزیع می‌شود. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴، صص ۴۳ و ۴۴)

۲-۳-۲ روش‌های تخصیص منابع مالی بانکداری مبادله‌ای

تخصیص منابع مالی در بانکداری مبادله‌ای مبتنی بر یکی از عقود زیر صورت خواهد گرفت.

الف. فروش اقساطی: در این روش، بانک کالاهای مورد نیاز مشتریان را به صورت نقد خریداری کرده و به صورت اقساطی با نرخ سود مشخص و از پیش تعیین شده به آن‌ها می‌فروشند.

ب. اجاره به شرط تملیک: در این شیوه بانک، محصول و خدمات را به صورت نقد خریداری می‌کند و به صورت اجاره به شرط تملیک به آنان واگذاری می‌کند.

ج. جعاله: در این عقد، پس از خریداری محصول یا خدمات توسط بانک، به صورت جعاله‌ی نسیئه‌ای به آن‌ها واگذار می‌شود.

د. خرید دین: در این شیوه، بانک‌ها اسناد مالی مدت‌دار مشتریان را تنزیل کرده و مبلغ آن را پس از کسر سود بانکی، به صورت نقد می‌پردازد.

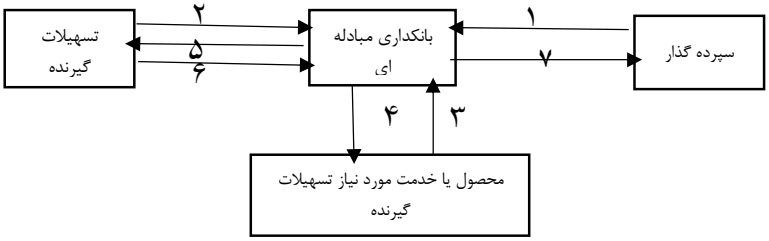
ه. سلف: در روش سلف(پیش خرید)، بانک بخشی از محصول بنگاه‌های اقتصادی را به صورت سلف از آنان پیش خرید کرده و هزینه آن را می‌پردازد. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴، ص ۴۴)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

۳-۳-۲ شمای فرآیند کلی بانکداری مبادله‌ای

شکل زیر؛ فرآیند کلی بانکداری مبادله‌ای را به تصویر کشیده است:

شکل۱؛ فرآیند کلی بانکداری مبادله ای



رابطه‌ی ۱ به تجهیز منابع مالی در بانکداری مبادله‌ای اشاره دارد. در این رابطه، سپرده‌گذار وجوه مازاد خود را در بانک قرار می‌دهد. رابطه ۱ که رابطه‌ی بین بانک و سپرده‌گذار می‌باشد، ممکن است مبتنی بر ۴ نوع عقدی که در قسمت تجهیز منابع اشاره شد، صورت گیرد. در رابطه‌ی ۲، اشخاص حقیقی یا حقوقی که نیازمند سرمایه هستند، به بانک مراجعه می‌کنند و درخواست خود مبنی برتامین مالی را به بانک ارائه می‌دهند. در این رابطه، تسهیلات گیرنده، محصول یا خدمتی که نیاز به تامین مالی دارد را به بانک معرفی می‌کند. پس از درخواست تسهیلات گیرنده، بانک به کمک پولی که سپرده‌گذاران در بانک قرارداده‌اند، محصول یا خدمت درخواستی تسهیلات گیرنده را به طور نقد خریداری می‌کند. یعنی وجوه را پرداخت می‌کند(رابطه ۳) و محصول یا خدمات را دریافت می‌کند. (رابطه ۴) در رابطه ۵، بانک، محصول یا خدمت را به تسهیلات گیرندگان اعطا می‌کند. در رابطه‌ی ۶، اقساط تسهیلات‌گیرندگان توسط بانک اخذ می‌شود و در رابطه ۷، بانک پس از برداشت حق‌الوکاله خود یا کارمزد، اقساط را به حساب سپرده‌گذاران واگذار می‌کند. البته در عمل، بانک به تسهیلات‌گیرندگان وکالت می‌دهد که آنان از طرف بانک نسبت به خرید محصول یا خدمت اقدام کنند و بانک، فقط پول را به حساب تسهیلات گیرندگان واریز می‌کند و اقساط را مطالبه می‌کند. همچنین ممکن است در عمل؛ تسهیلات‌گیرنده با اعطای فاکتور خرید محصول یا خدمات، وجوه را از بانک دریافت کند و بانک نقشی در دریافت محصول یا خدمت نداشته باشند یا آن‌که بانک وجوه را به حساب فروشنده واریز نماید و دریافت محصول یا خدمات توسط تسهیلات گیرنده صورت پذیرد.

۴-۲ چالش‌های بانکداری مبادله‌ای

اگرچه بانکداری مبادله‌ای از لحاظ نظری توانسته است کارکردهای متعارف بانکداری را به شکلی شرعی به اجرا درآورد و از این رو مورد تاکید بسیاری از نظریه‌پردازان بانکداری اسلامی واقع شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

لکن این مهم با چالش‌هایی مواجه است که بایستی برای رفع آن کوشید تا بتوان به اقتضائات شرعی و نیازهای نظام مالی و اقتصادی پاسخ گفت. در ادامه چالش‌های بانکداری مبادله‌ای در دو بخش مورد اشاره قرار خواهد گرفت. بخش اول، چالش‌هایی است که محققان گذشته بدان اشاره داشته‌اند و بخش دوم؛ چالش‌هایی است که پژوهش حاضر بدان اشاره می‌کند.

۱-۴-۲ چالش‌های بانکداری مبادله‌ای از منظر پژوهش‌های گذشته

پژوهش‌گران و صاحب‌نظران بانکداری اسلامی به بیان چالش‌هایی درباره بانکداری مبادله‌ای اشاره کرده‌اند که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

- تعیین نرخ سود تسهیلات اعطایی در عقود مبادله‌ای

یکی از چالش‌های مهم بانکداری مبادله‌ای، چالش تعیین نرخ سود تسهیلات اعطایی در عقود مبادله‌ای است. نرخ مزبور، علاوه براهمیتی که در عقود مبادله‌ای دارد، متغیری کلیدی در سازوکار تجهیز و تخصیص منابع در عقود مشارکتی نیز محسوب می‌شود. براین اساس، وقتی بانک‌ها از توانایی و اطمینان کافی در اجرای عقود مبادله‌ای به صورتی که بسته به شرایط هر قرارداد در مورد نرخ آن نیز تصمیم بگیرند، برخوردار نیستند و وقتی نرخ سود تسهیلات به درستی و برپایه مبانی تئوریک آن در مالیه اسلامی تعیین نشود، نه تنها اجرای بانکداری بدون ربا را آسیب‌پذیر می‌سازد بلکه با تاثیری که برقیمت نهاده سرمایه دارد، از مصادیق انحراف در قیمت نهادهای تولید خواهد بود و هزینه‌های عدم کارآیی تخصیصی ایجاد خواهد نمود.(دادگر و سرنقی، ۱۳۹۰، ص ۸۰)

- تفاوت ماهوی در نرخ‌گذاری تجهیز و تخصیص منابع مالی

در بانکداری مبادله‌ای؛ نرخ سود اعطا شده به سپرده‌گذاران مبتنی برقیمت‌گذاری بازار که برآیندی از نیروهای عرضه و تقاضا است؛ تعیین می‌شود و این خود نوعی ارتباط بانکداری مبادله‌ای با بخش واقعی اقتصاد را نشان می‌دهد. اما از طرف دیگر نرخ تسهیلات‌دهی مبتنی بردستورالعمل‌های اداری، قانونی و دستوری ابلاغ می‌شود. این مهم سبب می‌شود که عمده منابع مالی در خلاف جهت کارآیی اقتصادی به مصرف برسد.(مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۴۶)

- فقدان راهکار مناسب برای رو به‌رو شدن با طلب‌های معوقه
- عدم جامعیت و نارسایی قانون درباره هدف‌ها و سلیقه‌های سپرده‌گذاران
- عدم جامعیت و نارسایی قانون درباره هدف‌ها و سلیقه‌های مقتضیان تسهیلات (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۰)
- نبود شرح وظایف کارمندان بانک‌ها مبتنی بربانکداری اسلامی
- عدم تسلط پرسنل بانک‌ها بر زوایای پیچیده و علمی قانون بانکداری بدون ربا (توتونچیان، ۱۳۸۱، ص ۹)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

- عدم وجود دستگاه حسابداری متناسب با بانکداری بدون ربا (توتونچیان، ۱۳۸۱،ص ۱۰)
- عدم وجود نظارت و کنترل شدید (توتونچیان، ۱۳۸۱،ص ۱۱)

۲-۴-۲ چالش‌های بانکداری مبادله‌ای از دید مقاله حاضر

علاوه بر مواردی که به عنوان چالش‌های بانکداری مبادله‌ای مطرح شده است؛ چالش‌های دیگری وجود دارد که مقاله حاضر در ادامه بدان‌ها اشاره می‌کند.

۱-۲-۴-۲ وجود رابطه‌ی وکالتی در تجهیز منابع مالی

همان‌طورکه اشاره شد، یکی از راه‌های تجهیز منابع مالی در بانکداری مبادله‌ای، برقراری عقد وکالت بین سپرده‌گذاران و بانک است. در این رابطه، بانک وکیل است تا وجوه را طبق آن‌چه که موکل (سپرده‌گذار) تعیین کرده است، به مصرف برساند. وجود چنین رابطه‌ای در بانکداری مبادله‌ای سبب می‌شود تا بانک با ریسک‌های مختلفی مواجه شود که در ادامه به بیان ریسک‌های آن پرداخته می‌شود.

ریسک عدم اجرای مقتضیات عقد وکالت

یکی از چالش‌های تجهیز منابع مالی بانک به روش عقد وکالت آن است که بانک نتواند به مقتضیات عقد وکالت عمل نماید. در واقع، در موقعیت‌هایی که بانک نتواند به مقتضیات عقد وکالت عمل کند؛ روابط حقوقی و مالی میان ذی‌نفعان از جمله سپرده‌گذاران و بانک، دچار آسیب می‌شود. به تبع وقوع آسیب‌های مزبور، رفع آن‌ها مستلزم صرف هزینه‌های مالی و غیر مالی است. هزینه‌های مالی شامل هزینه‌های دادگاه و گرفتن وکیل و هزینه‌های غیرمالی شامل از بین رفتن زمان، از بین رفتن اعتبار و شهرت و هزینه فرصت می‌باشد.

عدم تشکیل پرتفوی بهینه تسهیلات

وجود وکالت خاص در تجهیز منابع بانکی می‌تواند بانکداری را در تشکیل پرتفوی بهینه‌ی تسهیلات دچار مشکل کند. در واقع الزام موجود در وکالت خاص سبب می‌شود که وکیل(بانک)، نتواند وجوه تسهیلاتی داده شده را نحو مطلوبی تنوع‌سازی کند و در تشکیل پرتفوی بهینه تسهیلات با محدودیت‌هایی مواجه شود. به دنبال عدم تشکیل پرتفوی بهینه تسهیلات؛ بانک با ریسک‌های اعتباری و نقدینگی مواجه خواهد شد که این مهم می‌تواند تهدیدی جدی برای حیات بانک باشد.

۲-۲-۴-۲ چالش عملیاتی فرآیند بانکداری مبادله‌ای

بیشتر عقودی که در بانکداری مبادله‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، بانک برای اجرای تعهدات خود با مجموعه‌ای از فروشندگان محصولات و خدمات در تعامل خواهد بود. تعامل مزبور، علاوه بر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

آن‌که سبب می‌شود تا تمرکز بانک نسبت به عملیات اصلی خود کاهش یابد، می‌تواند بانک را در شرایط مخاطره‌آمیز قرار دهد. به عنوان نمونه عرضه‌کنندگان محصولات و خدمات خارج از کشور، بانک را با ریسک‌های نرخ ارز، تحریم خرید و فروش و... مواجه می‌کند. در صورتی که بانک، وکالت خرید محصول یا خدمات را به تسهیلات گیرنده بدهد و صرفا به تسلیم تسهیلات اقدام کند، به دلیل نبود نظارت، امکان تخطی تسهیلات‌گیرنده از شرایط عقد وکالت بانک با تسهیلات‌گیرنده وجود دارد و این مهم می‌تواند به عدم تخصیص مناسب منابع مالی بانک منجر شود و آن را با ریسک اعتباری مواجه کند و چنان‌چه میزان این تخطی گسترده شود، تخصیص منابع در کل نظام مالی و اقتصادی به شکل نامناسبی انجام خواهد گرفت و می‌تواند به سرازیر شدن منابع مالی در قسمت‌های غیرمولد اقتصادی منجر گردد.

۳-۲-۴-۲ فاکتورسازی، صوری‌شدن معامله و شبهه ربا

اساس کار بانکداری مبادله‌ای مبتنی برتامین مالی تسهیلات‌گیرنده به نحوی شرعی و دریافت سود حاصل از آن به سپرده‌گذاران می‌باشد. در مواردی ممکن است، تسهیلات‌گیرنده نیازی به خرید محصول یا کالایی خاص نداشته باشد، بلکه تامین مالی را به منظور اموری می‌خواهد که تحت عنوان عقود مبادله‌ای نمی‌گنجد و یا طبق قوانین و مقررات، تسهیلات‌دهی در عقدی خاص با محدودیت‌هایی مواجه شده است. در چنین شرایطی، تجربه نشان داده است که تسهیلات‌گیرنده اقدام به فاکتورسازی و صوری‌سازی معاملاتی بین خود و فروشنده می‌کند. این مهم، علاوه بر آن‌که نشان‌دهنده‌ی عدم قصد واقعی متعاملین است، سبب می‌شود که تسهیلات‌دهی در خارج از موضوع خود واقع شود که مشکلات شرعی بعدی را به دنبال خواهد داشت. در واقع، در چنین روابط صوری مالی، شبهه ربوی بودن پررنگ می‌شود، شبهه‌ای که بانکداری مبادله‌ای به منظور رفع آن طراحی شده بود. به عنوان نمونه، مکانیزم نقل و انتقالات تامین مالی مرابحه که یکی از انواع عقود مبادله‌ای است گاهی اوقات مرز بین بانکداری مبتنی بر ربا و تامین مالی اعتباری را محو می‌کند. در حقیقت، این نوع قرارداد در برخی مواقع پل بین روش‌های تامین مالی مبتنی بر ربا و بانکداری بدون رباست. زمانی‌که این الگو از تامین مالی اسلامی در آمریکا معرفی شد، بسیاری از دانشمندان مالی اسلامی نسبت بدان انتقاد کردند چرا که شباهت زیادی به تامین مالی ربوی داشت. (یحیی عبدالرحمن، ۲۰۱۰، ص ۳۵۵)

۵-۲ ارتباط چالش‌های بانکداری مبادله‌ای با کارکردها

پس از بیان چالش‌های بانکداری مبادله‌ای، به اثر چالش‌های مزبور بر کارکردهای آن اشاره می‌شود. توکیل تسهیلات‌گیرنده در دریافت محصول یا خدمات، سبب می‌شود تا کارکرد تقارن‌سازی اطلاعات بین سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان، مخدوش شود چرا که در این شیوه، نظارت بانک

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

به تسهیلات‌گیرنده کاهش می‌یابد. با وجود وکالت خاص و عام که در تجهیز منابع مالی بانکداری مبادله‌ای وجود دارد، کارکرد مبادله‌ی سرمایه بین سرمایه‌داران (مازاد سرمایه) و متقاضیان سرمایه با کارآیی کمتری صورت خواهد پذیرفت. همچنین توجه به عملیات عقود مبادله‌ای مختلف و رعایت جزئیات و اقتضائات فقهی و شرعی آن، به سبب کاهش تمرکز بانک از فعالیت اصلی خود می‌شود. از آن‌جا که بانکداری مبادله‌ای به تامین مالی‌های خرد مانند مصرف‌کنندگان در سطح خانوارها و بنگاه‌های کوچک و تامین مالی‌های کلان مانند تامین مالی کارخانجات، بنگاه‌های بزرگ و کسب و کارهای کلان می‌پردازد؛ لذا راه کار نهادی حل چالش‌های بانکداری مبادله‌ای؛ در دو سطح صورت می‌پذیرد. صندوق‌های با درآمد ثابت، نهادی است که مکمل تامین مالی‌های کلان بانکداری مبادله‌ای خواهد بود و شرکت‌های لیزینگ، نهادی است که مکمل تامین مالی‌های خرد بانکداری مبادله‌ای خواهد بود. با تخصصی شدن تامین مالی و واگذاری آن به سازماندهی مربوطه می‌توان راه حلی مطلوب را برای نظام مالی و اقتصادی پیشنهاد داد و متقتضیات شرعی هم درنظر داشت. در ادامه هر کدام از نهادهای جایگزین اشاره می‌شود.

۳- صندوق‌های با درآمد ثابت؛[1] مکمل تامین مالی کلان بانکداری مبادله‌ای

همان‌طور که از عنوان این نوع از صندوق‌ها مشخص است؛ این صندوق‌ها، به سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالی که سود ثابت پرداخت می‌کنند، اقدام می‌کنند. به عنوان نمونه؛ صندوق‌های با درآمد ثابت در اوراق‌قرضه شرکتی، اوراق‌خزانه، اوراق‌رهنی یا اوراق‌قرضه شهرداری سرمایه‌گذاری می‌کنند و اوراق‌مزبور را خریداری می‌کنند. (بودی[2]، کین[3]، مارکس[4]، ۲۰۰۳،ص۱۰۹) از آن‌جاکه سود پرداختی توسط اوراق مزبور قطعی و ثابت است؛ لذا درآمد حاصله از سرمایه‌گذاری در آن نیز؛ قطعی و ثابت خواهد بود. از این‌رو؛ صندوق‌های با درآمد ثابت چنین نام‌گذاری شده‌اند. سرمایه‌گذاری بین‌المللی در صندوق‌های با درآمد ثابت در سال ۲۰۰۵ ، ۴. ۵ تریلیون دلار آمریکا بوده است در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۲ به بیش از ۷ تریلیون دلار آمریکایی رسیده است. (گروس،[5]۲۰۱۳، ص ۲) که خود نشان‌دهنده‌ی رغبت سرمایه‌گذاران به سمت این صندوق‌ها می‌باشد. از آن‌جاکه اوراق با درآمد ثابت در بازار سرمایه غیراسلامی بیشتر جنبه‌ی اوراق‌قرضه دارد که ماهیت آن ربوی است؛ لذا در الگوی پیشنهادی؛ منظور از اوراق بهادار با درآمد ثابت صکوک با

1. Fixed-income funds
2. Bodie
3. Kane
4. Marcus
5. Grose

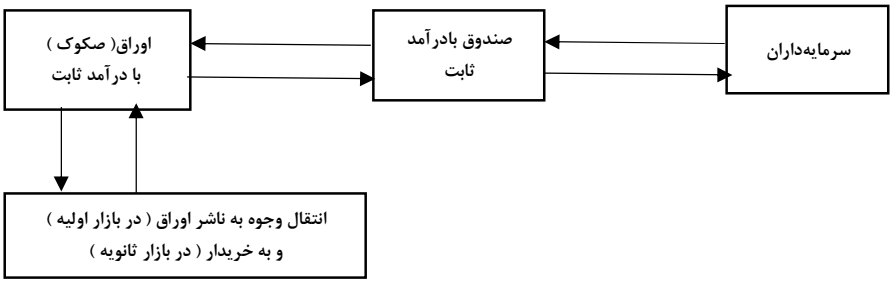
[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

درآمد ثابت مانند صکوک اجاره، مرابحه و سلف است. با بهره‌گیری از این نهادها، اقتضائات شریعت مقدس رعایت می‌شود و نیازهای نظام مالی و اقتصادی درنظر گرفته می‌شود.

۳-۱ فرآیند عملیات در صندوق های با درآمد ثابت

صندوق های بادرآمد ثابت؛ سرمایه ی افرادی که دارای مازاد سرمایه هستند را تجمیع می‌کند و اوراق شرکت‌ها، دولت و بنگاه‌هایی را که با کسری سرمایه مواجه هستند، خریداری می‌کند. شکل زیر فرآیند صندوق‌های بادرآمد ثابت را به تصویر کشیده است.

شکل۲؛ فرآیند صندوق با درآمد ثابت



۳-۲ تخصیص منابع مالی توسط صندوق بادرآمد ثابت

یکی از تفاوت‌هایی که بانکداری مبادله‌ای با صندوق با درآمد ثابت دارد؛ در نحوه‌ی تخصیص منابع مالی است. در بانکداری مبادله‌ای؛ تامین مالی- تخصیص منابع مالی به شکل مستقیم[1] صورت می‌پذیرد؛ در حالی که تامین مالی توسط صندوق با درآمد ثابت؛ به شکل غیرمستقیم[2] و از طریق بازار سرمایه صورت می‌پذیرد.(بال، ۲۰۱۲، ص ۱۱) در واقع؛ صندوق‌های با درآمد ثابت؛ اوراقی که در بازار سرمایه منتشر می‌شوند(بازار اولیه) یا منتشر شده‌اند(بازار ثانویه) را خریداری می‌کنند. مزیت این نوع تخصیص سرمایه، پایش دوگانه‌ای است که بر روی اوراق منتشر شده و ناشران آن‌ها صورت می‌گیرد. به بیانی دیگر؛ علاوه برپایشی که توسط متخصصان صندوق برانتخاب اوراق و ناشران انجام می‌دهند، نهادهای نظارتی مانند سازمان بورس و شرکت بورس مربوطه هم به پایش و رصد فعالیت ناشران اقدام می‌کنند؛ که کاهش ریسک را تخصیص منابع را نتیجه می‌دهد.

۳-۳ کارکرد صندوق‌های با درآمد ثابت

صندوق‌های با درآمد ثابت مشابه دیگر نهادهای واسطه‌گر مالی دارای کارکردهای مختلفی در نظام مالی هستند. تبادل سرمایه میان سرمایه‌داران و متقاضیان سرمایه؛ یکی از مهم‌ترین کارکردهای

1.Direct financing
2.Indirect financing

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

این نهاد مالی است که در فرآیند آن به خوبی به مشاهده می‌شود. در واقع با وجود صندوق‌های مزبور؛ صکوک منتشر شده توسط دولت، بنگاه‌ها و شرکت‌ها برای تامین مالی‌های کلان؛ خریداری و از بازار جمع می‌شود و منابع مالی از صندوق به سمت آنان سرازیر می‌شود و تامین مالی کلان صورت می‌پذیرد. صندوق‌ها با بهره‌گیری از متخصصان و تحلیل‌گران مالی به انتخاب گزینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند تا از این طریق، بتوانند پرتفویی بهینه برای صندوق ایجاد کنند و با تنوع‌بخشی به دست آمده؛ ریسک صندوق را کنترل کنند و بتوانند بازده ثابتی را که مدنظر صندوق است؛ به دست آورند. در واقع صندوق‌ها؛ به پایش و نظارت حوزه‌های سرمایه‌گذاری خود می‌پردازند که از این طریق می‌توانند به سرمایه‌گذاران این اطمینان را بدهد که تقارن اطلاعاتی میان واسطه‌گر مالی و متقاضیان سرمایه موجود است. کارکرد دیگری که صندوق‌های بادرآمد ثابت دارند آن است که مشابه بانکداری مبادله‌ای و متعارف؛ سود قطعی پرداخت می‌کنند و این می‌تواند به جذب منابع مالی سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز کمک کند و برای آن‌ها اطمینان بخشی به همراه داشته باشد. صندوق‌های با بازدهی ثابت؛ همانند دیگر واسطه‌گران مالی با بهره‌گیری از صرفه به مقیاس[1] به کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری کمک کند. با مداقه در کارکردهای بانکداری متعارف، بانکداری مبادله‌ای و صندوق‌های با درآمد ثابت متوجه می‌شویم که هر سه آن‌ها؛ در کارکردهای چهارگانه مشابه هستند. لذا می‌توان با بهره‌گیری از هر کدام از نهادهای مزبور به کارکردهای چهارگانه در نظام مالی دست یافت. اما آن‌چه که ما را در انتخاب نهادهای مزبور محدود می‌کند؛ مغایر نبودن فرآیند عملیاتی آن‌ها - مانند تجهیز و تخصیص منابع مالی - با اقتضائات شرعی است. طبق آن‌چه که اشاره شد؛ صندوق‌های با درآمد ثابت، می‌تواند به عنوان نهاد مکمل بانکداری مبادله‌ای مطرح شود و کارکردهای بانکداری مبادله‌ای را به انجام برساند.

۴-۳ محاسن صندوق‌های با درآمد ثابت در مقایسه با بانکداری مبادله‌ای

علاوه بر این‌که صندوق‌های با درآمد ثابت در قسمت تجهیز منابع مالی دارای کارکردهای بانکداری متعارف و بانکداری مبادله‌ای هستند؛ چالش‌های بانکداری را دارا نمی‌باشند. در واقع به دلیل آن‌که رابطه‌ی سرمایه‌گذاران با صندوق مالکیت و مشارکت است؛ مشکلات مربوط به رابطه‌ی وکالتی وجود ندارد. همچنین به دلیل آن‌که تمرکز فعالیت‌های صندوق برخرید اوراق بادرآمد ثابت است؛ لذا چالش تمرکز برفعالیت‌های غیر تخصصی که پیش از این در مورد بانکداری مبادله‌ای بیان شد، وجود ندارد.

1.Economies of scale

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

۴- شرکت‌های لیزینگ؛ مکمل تامین مالی خرد بانکداری مبادله‌ای

شرکت‌های لیزینگ از جمله موسسه‌های اقتصادی موفق در سال‌های اخیر هستند. این شرکت‌ها با واگذاری مدت‌دار و اقساطی کالاها، از یک طرف به مصرف‌کنندگان و از طرف دیگر به کارخانه‌های تولیدی و در نهایت به تولید و اشتغال کشورهای کمک می‌کنند. (موسویان، ۱۳۸۵، ص ۷۵)

گرچه شرکت‌های لیزینگ انواع گوناگون دارند و در موارد خاص از قراردادهای منحصر به فرد استفاده می‌کنند، به طور معمول معاملات مشابه و یک‌سانی دارند و در اکثر موارد براساس مراحل ذیل رفتار می‌کنند.

درخواست کتبی مشتری: مشتری طی فرم کتبی، تقاضای خود را برای کالای خاصی به شرکت لیزینگ اعلام و میزان پیش‌پرداخت و نحوه‌ی پرداخت اقساط و مبلغ و تعداد آن‌ها را اظهار می‌کند.

تهیه کالا: شرکت لیزینگ کالای مورد تقاضا را از تولید کننده یا فروشنده آن خریداری و تملک می‌کند و در مواردی ممکن است خود شرکت لیزینگ تولیدکننده کالا باشد.

اجاره کالا: شرکت لیزینگ براساس قرارداد اجاره به شرط تملیک کالای مورد نظر را به مشتری واگذار می‌کند و ضمن قرارداد متعهد می‌شود چنان که مشتری (مستاجر) مطابق قرارداد، اجاره‌های ماهانه (یا فصلی یا سالانه) را مرتب بپردازد، شرکت در پایان قرارداد عین کالا را به ملکیت مشتری در می‌آورد.

تحویل کالا: بعد از انعقاد قرارداد و دریافت پیش‌پرداخت، شرکت کالای مورد نظر را جهت استفاده در اختیار مستاجر قرار می‌دهد.

پرداخت اجاره‌بها: مستاجر طبق زمان‌بندی مشخص، اجاره‌بهای مورد توافق را به شرکت می‌پردازد.

تملیک کالا: در پایان قرارداد، شرکت کالای مورد اجاره را در مقابل قیمت معینی که در ابتدای قرارداد مشخص شده است یا به صورت مجانی به تملیک مشتری در می‌آورد. (موسویان، ۱۳۸۵، صص ۷۷ و ۷۸)

۴-۱ تجهیز منابع شرکت‌های لیزینگ

از آن‌جاکه شرکت‌های لیزینگ کالاهای مصرفی و سرمای‌های بادوام را تهیه و به صورت مدت‌دار در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند، احتیاج به منابع مالی دارند تا کالاهای مورد درخواست را تهیه کنند. برای این منظور؛ روش های مختلفی وجود دارد. سرمایه سهامداران، انتشارصکوک، همکاری با تولیدکنندگان، قراردادهای سه جانبه (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴، ص ۷۰) و خرید نسیئه کالا و خدمات از فروشنده (البته نرخ اجاره به تملیک بیشتر از نرخ نسئیه است که شرکت از خدمات مالی‌اش بهره‌مند شود)؛ می‌تواند روش‌هایی به منظور تجهیز منابع مالی شرکت‌های لیزینگ باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

۴-۲ تخصیص منابع مالی

متقاضیان کالا یا خدمات با درخواست از شرکت‌های لیزینگ به صورت اجاره بـه شـرط تملیـک بـه کالا و خدمات مورد نیاز خود دست می‌یابند. لذا تخصیص منابع مالی شـرکت در ارتبـاط بـا خریـد محصولات مورد نیاز مشتریان شرکت لیزینگ است.

۴-۳ مقایسه کارکردهای بانکداری مبادله‌ای و شرکت لیزینگ

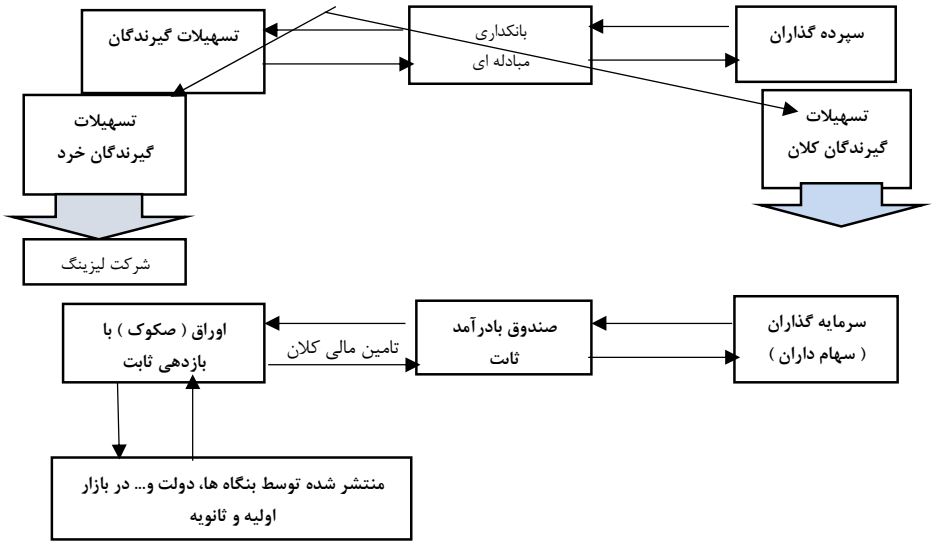
با بررسی کارکردهای شرکت‌های لیزینگ در نظام مالی و اقتصادی متوجه مـی‌شـویم کـه نهادهـای مزبور از آن‌جا که دارای ماهیت واسطه‌گری مالی هستند، به کارکردهای مشابه بانکداری مبادله‌ای و متعارف اقدام می‌کنند. در شرکت‌های لیزینگ؛ متقاضـی سـرمایه بـه طـور مسـتقیم (اگـر شـرکت لیزینگ تولیدکننده محصول باشد) یا به طور غیرمستقیم (اگر شرکت لیزینگ تولیدکننده نباشـد و محصول را از تولیدکننده خریداری کند) به مازاد سرمایه مرتبط می‌شود؛ لذا کارکرد انتقال سـرمایه در چنین ساختاری وجود دارد. با تخصصی‌شدن فعالیت در شرکت‌های لیزینگ؛ هزینه‌هـای مبادلـه نیز کاهش می‌باشد. با تخصصی شدن شـرکت لیزینـگ در صـنعتی خـاص، مشـتریان محصـولات و خدمات به نهاد مورد نظر خود مراجعه می‌کنند و در وقت و هزینه‌هایشـان صـرفه‌جـویی بـه وجـود خواهد آمد. از آن‌جاکه رابطه‌ی شرکت لیزینگ با مشتریان (تامین مـالی‌شـوندگان) مبتنـی برعقـود مبادله‌ای است؛ لذا ریسک‌نوسان نرخ سود در آن وجود ندارد. (برخلاف عقود مشارکتی) و ایـن مهـم می‌تواند سهام‌داران را نسبت به سود شـرکت مطمـئن کنـد. همچنـین بـا بهـره‌گیـری از وثـایق و ضمانت‌ها می‌توان نسبت به نکول آنـان اطمینـان حاصـل کـرد. همچنـین از آن‌جـا کـه در شـرکت لیزینگ کالا مورد معامله قرار می‌گیرد؛ مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی در نسبت بـا بانـک کـه پـول مورد تبادل قرار می‌گیرد؛ کمتـر اسـت. در واقـع وجـود کـالا در روابـط میـان متقاضـی محصـول و اعطاکننده محصول سبب می‌شود که خریدار محصول با دقت در استانداردهای محصـول نسـبت بـه ادعای شرکت اطمینان حاصل کند و شرکت لیزینگ نیز ریسک مخاطره اخلاقی و انتخاب معکـوس را از جهت عدم استفاده سرمایه در محل مورد ادعای مشـتری (مشـکلی کـه در بانـک وجـود دارد) نداشته باشد. (البته همان‌طور که اشاره شد؛ ریسک نکول وجود دارد کـه بـا وثـایق و ضـمانت‌هـایی می‌توان آن را مدیریت کرد)

۵- الگوی نهادهای مکمل بانکداری مبادله‌ای

در شکل زیر؛ روابط میان الگوی مکمل تامین مـالی بانکـداری مبادلـه‌ای بـه تصـویر درآمـده اسـت. همان‌طور که در شکل مشخص است؛ دو نهاد صندوق با درآمد ثابـت و شـرکت لیزینـگ مـی‌توانـد کارکردهای بانکداری مبادله‌ای را در نظام مالی ایفا کنند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

شکل۳؛ الگوی صندوق با درآمد ثابت و شرکت لیزینگ؛ مکمل بانکداری مبادله‌ای



نتیجه‌گیری

پژوهش پیشرو به بررسی کارکردهای بانکداری متعارف و بانکداری مبادله‌ای پرداخت. بانکداری مبادله‌ای به عنوان یکی از انواع بانکداری اسلامی؛ با استفاده از عقود مبادله‌ای به تجهیز منابع اقدام می‌کند و سپس با بهره‌گیری از عقود مبادله‌ای، منابع مالی را تخصیص می‌دهند. بانکداری مبادله‌ای از طرفی توانسته است کارکردهای اصلی بانکداری متعارف را در نظام مالی ایفا کند و از طرفی؛ از لحاظ نظری متناسب با مقتضیات شرعی عمل کند. این مهم سبب شده است که بانکداری مبادله‌ای توسط بسیاری از نظریه‌پردازان بانکداری اسلامی؛ به عنوان الگویی مطلوب از بانکداری اسلامی مطرح شود. با مداقه بیشتر در فرآیند عملیاتی بانکداری مبادله‌ای؛ به چالش‌هایی از بانکداری مبادله‌ای پی‌بردیم که در مقاله مورد اشاره واقع شد. تعیین نرخ سود قطعی عقود مبادله‌ای، پیچیدگی روابط وکالتی میان سپرده‌گذاران و بانک، عدم تشکیل پرتفوی بهینه تسهیلات با وجود عقد وکالت در تجهیز منابع مالی، امکان صوری‌شدن معامله و برهم خوردن روابط حقوقی میان ذی‌نفعان مالی بانک نمونه‌هایی از چالش‌های بانکداری مبادله‌ای بود که در این مقاله بدان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

اشاره شد. به منظور کاهش چالش‌های مزبور؛ مقاله‌ی حاضر به سازوکاری دیگری اشاره کرد که علاوه برآن‌که کارکردهای بانکداری مبادله‌ای را داشته باشد؛ چالش‌های آن را نداشته باشد. در پژوهش؛ الگویی نهادی که مکمل بانکداری مبادله ای باشد؛ پیشنهاد شد. در این الگو؛ نهادهایی که از نظر کارکردی شباهت بیشتری با بانکداری مبادله‌ای دارند و اقتضائات شرعی هم درنظر می‌گیرد؛ معرفی شدند. در این پژوهش؛ صندوق‌های بادرآمد ثابت و شرکت‌های لیزینگ(به عنوان نمونه) نهادهایی معرفی شدند که می‌توانند به عنوان مکمل بانکداری مبادله‌ای مطرح باشند. صندوق‌های با درآمد ثابت به منظور تامین مالی کلان به کار می‌رود و شرکت‌های لیزینگ به منظور تامین مالی خرد به کار می‌رود. نهادهای مزبور علاوه برآن‌که می‌توانند کارکردهای اقتصادی و مالی بانکداری مبادله‌ای و متعارف را عملیاتی کنند؛ ظرفیت تحقق اقتضائات شرعی هم دارند. توسعه‌ی نهادهای مالی مکمل بانکداری اسلامی در نظام مالی می‌تواند به افزایش رقابت، کارآیی و رعایت اقتضائات شرعی نهادهای مالی فعال در بازار پول و سرمایه کمک کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

منابع

۱. توتونچیان، ایرج (۱۳۸۱)، آیا بانکداری ایران، اسلامی است؟ فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۶.

۲. دادگر، یدالله، فیروزان سرنقی، توحید(۱۳۹۰)، ارائه چارچوبی برای تعیین نرخ سود در عقود مبادله‌ای، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۴.

۳. عبدالرحمن، یحیی(۲۰۱۰)، هنر بانکداری و تامین مالی اسلامی، امیری طهرانی، سید محمدرضا، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

۴. طالبی، محمد، کیایی، حسن (۱۳۹۱)، ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات مالی اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره۲.

۵. موسویان، سیدعباس(۱۳۸۵)، بررسی فقهی و حقوقی معاملات شرکت‌های لیزینگ، فصلنامه اقتصاد اسلامی شماره ۲۲.

۶. موسویان، سیدعباس(۱۳۸۶)، نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۵.

۷. موسویان، سیدعباس، ابوالحسنی هستیانی، اصغر، حسنی‌مقدم، رفیع(۱۳۹۳)، تعیین سهم بهینه عقدهای مبادله‌ای و مشارکتی در بانکداری بدون ربا، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۵۳.

۸. موسویان، سیدعباس، میثمی، حسین (۱۳۹۴)، بررسی ساختار عملیاتی مطلوب بانکداری اسلامی (دلالت‌هایی در راستای اصلاح قانون عملیات بانکداری بدون ربا)، فصلنامه روند، شماره ۷۲.

۹. مهدوی نجم‌آبادی، سید حسین(۱۳۸۲)، ساختار بهینه نرخ‌های سود در اقتصاد اسلامی با تاکید بر این ساختار در بانکداری اسلامی، چهاردهمین همایش بانکداری اسلامی.

۱۰. میسمی، حسین، قلیچ، وهاب(۱۳۸۹)، نظارت شرعی و ریسک شریعت در بانکداری اسلامی: دلالت‌هایی برای طرح تحول نظام بانکی، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۰.

۱۱. میسمی، حسین، قلیچ، وهاب(۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی اجرای بانکداری اسلامی در کشور: دلالت‌هایی برای تحول در نظام بانکی، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۲.

12. Ball, Lawrence (2012), money, banking and financial markets, New York, Worth Publishers.

13. Bodie, Kane, Marcus (2003), Investments volume 1, United States of America, McGraw–Hill.

14. Grose, Chris (2014), Diversification Opportunities through Fixed-income Managed Funds in Eastern Europe, Journal of Emerging Market Finance 2013 12: 1.

15. Mishkin, Frederic S(2004),The economics of money, banking, and financial markets , United States of America, Pearson.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]

16. Neave,H, Edwin (2002), Financial Systems Principles and Organization, Simultaneously published in the USA and Canada by Routledge.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-22]